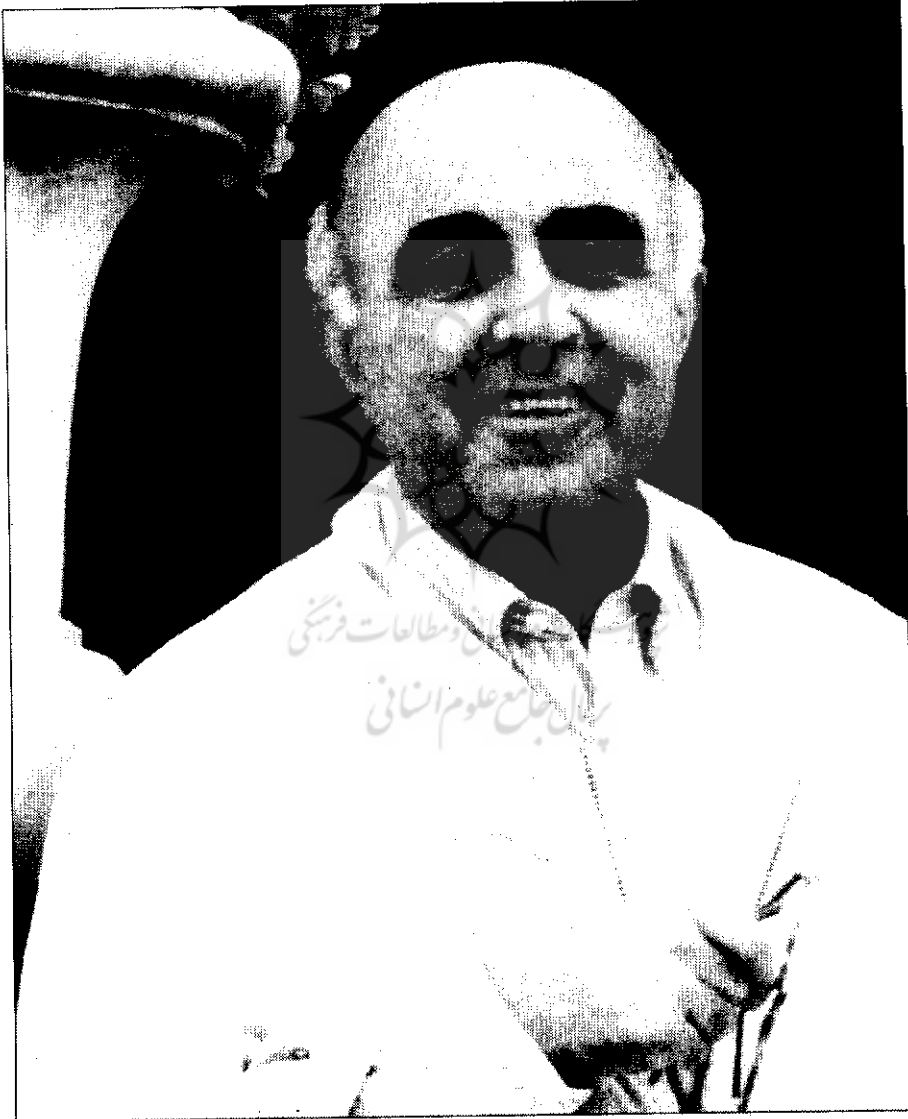


## یادنامہ شاہرخ مسکوب

● با مقالاتی از: دکتر داریوش شایگان - دکتر حسن کامشاد - کامران فانی - ایرج افشار - یوسف اسحاق پور - احمد مسکوب - گیتی شامبیاتی - عبدالله کوثری - دکتر جلال ستاری - مسعود بہنود - سیروس علی نژاد - دکتر علی بنوعزیزی .



● شاہرخ مسکوب (عکس از مریم زندی)

«او بزرگتر از آثارش بود» این تعبیر را از دکتر داریوش شایگان درباره شاهرخ مسکوب شنیدم. خاموشی مسکوب نه تنها برای دوستانش بلکه برای ادب و فرهنگ ایرانی ضایعه بزرگی است. هنوز اولین ماه بهار در سال نو به پایان نرسیده که پرویز اتابکی، سیدجلال آشتیانی، نواب صفا و حالا شاهرخ مسکوب!

مثل اینکه مرگ از همه طرف ما را احاطه کرده است. مسکوب در مرگ دوستی نوشت: «شاید مرگ هم دنباله زندگی است. آدم‌می خواهد همان جایی بمیرد که زندگی کرده. زمانش را در همان مکانی که آغاز کرده به پایان برساند. این بستگی به خاک چیز عجیبی است، برگشتن به همان خاک که از آن بیرون آمده‌ایم.»

در یادداشتی دیگر نوشت: «به قدری در هوای ایران به سر می‌برم که انگار نه انگار اینجا زندگی می‌کنم. پاهایم اینجا است ولی دلم آنجا است. زندگی و هوش و حواس من در جای دوری که از آن بریده شده‌ام، می‌گذرد، نه در جایی که در آن نیستم. این جوری به قول آن بزرگوار «گسسته» شده‌ام و خویشتن را نمی‌یابم.» اکنون شاهرخ مسکوب آرمیده است و با هفت هزار سالگان همسفر است. جایگاه مسکوب در عرصه پژوهش‌های قهرمانان شاهنامه و متن‌شناسی، اسطوره و نقد ادبی فراموش ناشدنی است. او که با عضویت در حزب توده در دهه بیست وارد به جریان‌ات روشنفکری و سیاسی شد، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به زندان گرفتار آمد و در نتیجه

تاملات در زندان و بعد حوادث مجارستان و بعد رفتار روس‌ها و حزب توده با دکتر محمد مصدق منجر به جدایی و انزجار او از استالینیسم شد. در گفتگویی با علی بنوعزیزی روند جدایی خود را از حزب توده و این تفکر به خوبی بیان کرده است.

مطالعه عمیق او در حوزه ادبیات حماسی غرب و شاهنامه فردوسی منجر به خلق آثاری شد که در عرصه شناخت اسطوره‌های شاهنامه و پیشینه آن در باورهای دینی و ملی ما ایرانیان ماندگار خواهد ماند.

آنچنان در فرهنگ و تاریخ و مردم این سرزمین غوطه‌ور بود که در گفتگویی هنگامی که از او پرسیدم چه استنباطی و احساسی از گذشته تاریخی ما دارد چنین جواب داد: «تاریخ چند هزار ساله ما آنقدر فراز و نشیب دارد، تکان‌ها و چرخش‌های سخت و غافلگیرکننده دارد که نمی‌توانم در چند جمله بیان کنم. اما در این دو سه قرن اخیر ما مردمی هستیم با فرهنگ اما در زندگی اجتماعی نادان و ناتوان. با وجود پشتوانه غنی هنوز یاد نگرفته‌ایم که با همدیگر چگونه کنار بیاییم. و در زندگی اجتماعی عاجزیم. در مناسبات خصوصی و فردی، دوستی، خویشاوندی و غیره باگذشت و فداکاریم اما در روابط اجتماعی مخصوصاً وقتی پای سیاست به میان می‌آید به راحتی و آسانی دشمن همدیگریم. هر که مثل ما فکر یا عمل نکند مهدورالدم، خائن یا حداقل گمراه است و باید از میدان بیرونش انداخت... دوم اینکه ملتی هستیم خوش خیال اما برکنده از واقعیت و به همین مناسبت بارها در کوره راه افتاده، به بن‌بست رسیده و راه رفته را بازگشته‌ایم. مردمی شریف اما ناموفق و... یادش گرامی و خاک بر او گوارا باد.

۳۳.

در این شماره بخارا بخشی را به عنوان یادنامه وی اختصاص داده‌ایم. در فرصت کمی تا انتشار مجله بود نمی‌شد بیش از این کاری کرد. بنابراین در سالگرد خاموشی وی کتابی را به یاد او تحت عنوان «یادنامه شاهرخ مسکوب» اختصاص خواهیم داد. دوستان و آشنایان و هم‌قلمان مسکوب می‌توانند مقالات خود را تا پایان شهریور ماه برای یادنامه ارسال کنند.

بدین وسیله به اطلاع می‌رساند کارت خبرنگاری و مدیرمسئولی من، فرخنده حاجی‌زاده (پورحاجی‌زاده) سرقت شده و از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.



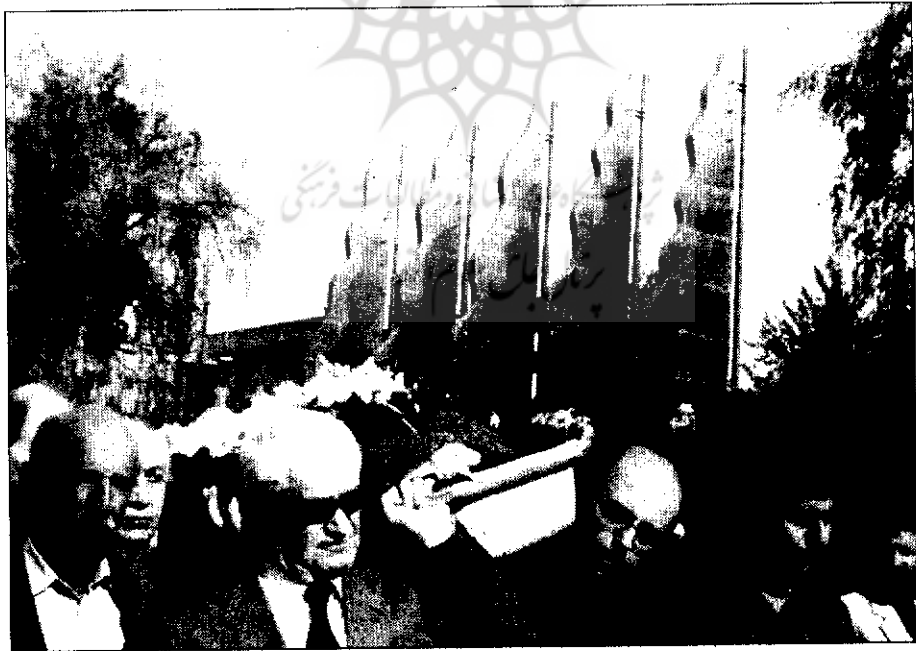
۳۳۱



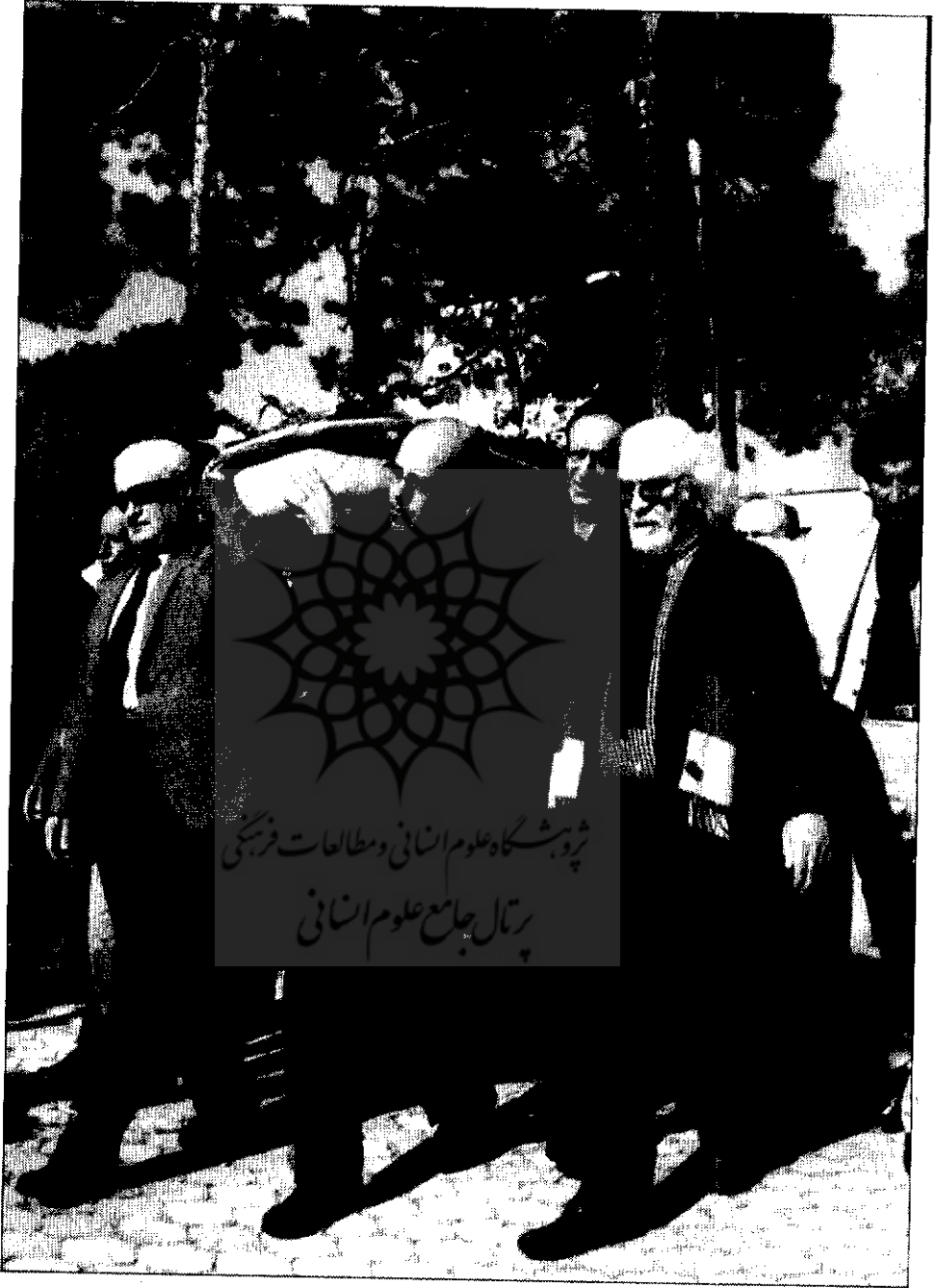
● مراسم تشییع و بدرقه شاهرخ مسکوب (نالار رودکی) عکس زهره خوشنمک



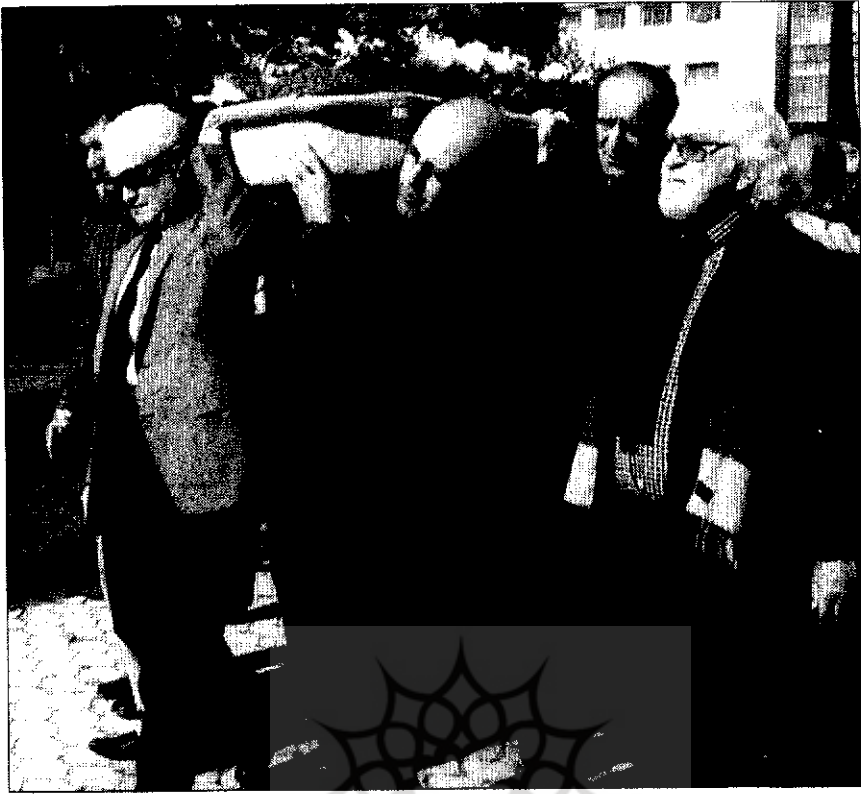
۳۳۲



● مراسم تشییع و بدرقه شاهرخ مسکوب (تالار رودکی) عکس زهره خوشنمک



● مراسم تشییع و بدرقه شاهرخ مسکوب (تالار رودکی) عکس زهره خوش‌نمک



● مراسم تشییع و بدرقه شاهرخ مسکوب (نالار رودکی) عکس زهره خوش نمک



● مزار شاهرخ مسکوب قبیل از خاکسپاری